گفت‌وگوی «وطن امروز» با دکتر سیدجواد میری با درباره نقش امام رضا(ع) در هویت‌بخشی ایرانیان

امام رضا(ع)، زبان تکثرهای ایرانی

همه ما ایرانیان فارغ از هر نوع رنگ و مذهبی با حرم امام رضا(ع) خاطرات فراوانی داریم. امام رضا(ع) تبدیل به بخشی از حافظه تاریخی مردم ایران، همچنین رکنی جدی در هویت‌بخشی ما شده است. از همین رو سفر حضرت رضا(ع) به ایران را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ این سرزمین دانست. تحول شگرفی که تأثیرات آن به نحو بنیادین تا امروز امتداد داشته است. به همین واسطه با دکتر سیدجواد میری، جامعه‌شناس و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به گفت‌وگو پرداختیم تا پیرامون ابعاد اثربخشی امام رضا(ع) در فرهنگ ایرانی بحث و تبادل نظر کنیم.

■ به عنوان سؤال نخست می‌خواستم تحلیل خود را از نقش حضرت امام رضا(ع) در فرآیند هویت‌یابی ما ایرانیان بیان کنید.

واقعیتی که نمی‌توان از کنار آن بسادگی گذشت این خواهد بود که درست است در ایران ما ادیان، مذاهب و اقوام متنوعی داریم اما یک نوع شباهت و قرابتی میان همه این تکثرها وجود دارد. اگر بخواهیم به صورت یکپارچه در باب ایران صحبت کنیم غالب جمعیت ما در طول ۱۴۰۰ سال گذشته، خصوصا هرچه به زمان اکنون و اینجا نزدیک شده‌ایم، یک شباهت جمعی میان آنها پیدا شده و عامل این شباهت نیز اسلام بوده است. اسلام در منطقه وسیعی که به آن جهان اسلام یا تمدن اسلامی می‌گویند، منطقه‌ای که از یک طرف به کازان یا کرانه رود ولگا تا جنوب اسپانیا، مراکش، تونس می‌رسد و از سوی دیگر تا جنوب آفریقا و مناطق شبه‌قاره هند و چین می‌رسد که در واقع چهار طرف تمدن اسلامی را شکل می‌دهند. این منطقه نقش مهمی در یکسان کردن و یکپارچه کردن این مناطق ایفا کرده است. در خود ایران نیز وقتی نگاه می‌کنیم شاید بشود گفت ستون فقرات کشور اسلام است. بله درست است یهودیان، مسیحیان، زرتشتیان و... در این کشور بوده و هستند اما آن چیزی که امروز و مشخصا در ۵۰۰ سال اخیر ستون فقرات کشور را شکل می‌داده اسلام بوده و مسلمانان نقش کلیدی در تکوین جامعه داشته‌اند. بین مسلمانان نیز به باور من شیعیان نقش بسیار مهمی بر عهده گرفته‌اند. یعنی ما اگر بخواهیم دموگرافی جمعیت ایران را نگاه کنیم اکثریت ایرانیان بالاتفاق شیعه هستند. این مطلب را مقدمه ذکر این موضوع می‌خواهم قرار دهم که یکی از مولفه‌های تشکیل ملت - دولت در یک دوره تاریخی، بحث این موضوع است که مردمی که قرار است وارد عصر ملت - دولت شوند، چه میزان به هم نزدیک هستند. تشیع عامل بسیار مهمی برای نزدیکی ما بوده و قابل کتمان نیست. وقتی ما درباره امر جمعی و هویت ایرانیان صحبت می‌کنیم می‌توانیم ۳ کلان‌روایت را از یکدیگر تفکیک کنیم. یک کلان روایت، روایت باستان‌گرایانه است. اساسا آنها قائل به این هستند که آنچه اصل و واقعی است، وضعیت امروز نیست، بلکه واقعیت ما در گذشته است لذا باید امروز خود را با توجه به گذشته بازخوانی و نزدیک کنیم. برای این کلان گفتمان امر اصلی آنچه به ایرانیان وحدت می‌بخشد امر باستانی است. کلان‌روایت دومی که وجود دارد که از آن می‌شود به روایت دینی نام برد. در این کلان‌روایت امر جمعی ایرانیان ذیل مفهوم ملله یا دین شکل می‌دهد. این روایت اسطوره‌ها، مفاهیم، مبانی نظری، جهان‌بینی و مناسک خاص خود را دارد و در دوران جدید جنگ ایدئولوژی خود را تولید کرده است. یک کلان‌روایت دیگر هم وجود دارد که کلان‌روایت تجددگرایانه است. جالب است هرکدام از این کلان‌روایت‌ها یا معماران آن قائل به این هستند که کلان‌روایت ما امر جدیدی نیست، بلکه ریشه در تاریخ دارد. به یک اعتبار خود آنها شاید درست باشد به این معنا که ایران یک گذشته باستانی یا دینی داشته است اما صورتبندی این روایت امری در قدیم نیست، بلکه امری حادث و جدید است. در میان این ۳ کلان‌روایت، آن روایتی که توانسته در این ۵۰۰ سال مشخصا در عصر ملت - دولت امر جمعی ما را شکل دهد، قوام به آن داده، موسسه‌ها و سازمان‌های متناسب با خود را به وجود آورد و زیربناهای جامعه را پی‌ریزی کند، کلان‌روایت اسلام‌گرایانه است.

■ نقاط عطف و برجسته این روایت به باور شما چیست؟

این کلان‌روایت اسلام‌گرایانه ۳ نقطه عطف در داخل ایران دارد. اینکه اسلام در شبه‌جزیره عرب چه نقاط عطفی داشته را نمی‌خواهم مورد بحث قرار دهم اما در این چارچوب سیاسی که ما امروزه از آن به جمهوری اسلامی ایران یاد می‌کنیم، کلان‌روایت شیعی ۳ نقطه عطف داشته است. نخستین نقطه عطف سفر امام رضا(ع) از مدینه به مرو است، دیگری روی کار آمدن صفویه و مشخصا شخص شاه اسماعیل صفوی است و سومی نیز ورود آیت‌الله خمینی به کشور است. هر کدام از این سه به نوعی قوام، دوام و ثبوت امر جمعی ایرانیان در ذیل خوانش اسلام‌گرایان را وارد مرحله جدیدی کرده است. ورود حضرت رضا(ع) به ایران باعث می‌شود تشیع بویژه شیعه اثنی‌عشری در کشور وضع متفاوتی پیدا کند. می‌دانید هر که قائل به ولایت امام رضا(ع) باشد دیگر تا حضرت مهدی(عج) را می‌پذیرد و جزو شیعیان اثنی‌عشری می‌شود. یعنی ما پس از امام رضا(ع) دیگر شکاف و جدایی در میان شیعیان نداشتیم. قبل از حضرت رضا ما شکاف‌های زیادی میان تشیع داشتیم اما هیچ یک نتوانست در ایران تداوم داشته باشد. ورود امام رضا(ع) به ایران اساسا توانست شیعه اثنی‌عشری را تثبیت کند و جریان‌های فقهی، عرفانی، کلامی و فلسفی ایران را متأثر از خود کنند. مشخصا اگر بخواهم اشاره کنم گفت‌وگوها و مناظرات بین‌الادیانی میان حضرت رضا(ع) و دیگر پیروان ادیان دیگر که در خراسان انجام می‌شود تأثیرات بسزایی بر فهم تمدنی از تشیع می‌گذارد، لذا ورود امام رضا به ایران و مجموعه گفتارهای ایشان - اگر نخواهیم به طور مشخص از کتاب عیون اخبار الرضا از شیخ صدوق اشاره کنیم - بلکه بگوییم مجموع گفتارهای ایشان با عنوان اصطلاحی کلیات رضوی که ساختار فکری شیعه در ایران را متحول می‌کند یا زبان عربی یک رکن ایران می‌شود. در قرون بعد ظهور صفویه در ایران و شخص شاه اسماعیل و به طور خاص کتاب کلیات شاه اسماعیل صفوی که به زبان ترکی است یک نقطه عطف بوده که هم در درون مرزهای سیاسی ایران و هم بیرون مرزهای سیاسی ایران تا قلب اروپا همچون البانی و بوداپست که طریقت بکتاشیه در آن حضور داشته و